

پول پاشی در اقتصاد: مبانی و آثار

معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفاتر: مطالعات اقتصاد بخش عمومی
مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۳۰
شماره مسلسل: ۱۵۳۶۶
اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۳.....	مقدمه
۳.....	پول پاشی و شیوه‌های آن
۵.....	رابطه پول پاشی و مراحل چهارگانه سیاست‌های عوام‌گرایانه
۷.....	چند سناریوی پول پاشی برای اقتصاد ایران
۱۳.....	راه درست
۲۲.....	نتیجه‌گیری
۲۳.....	منابع و مأخذ



پول‌پاشی در اقتصاد: مبانی و آثار

چکیده

دولت‌ها به دلیل محدودیت منابع در اختیار، در اجرای برنامه‌های مورد نظر خود دارای قید و بند هستند. برخی دولت‌ها ممکن است به دلایل مختلف اقتصادی (افزایش تقاضای کل و خروج از رکود) یا اقتصاد سیاسی (انتخاباتی) تمایل داشته باشند خارج از محدوده ظرفیت مالی در دسترس، مخارج خود را افزایش دهند و کسری بودجه ایجاد کنند. کسری بودجه‌ای که در این وضعیت ایجاد می‌شود معمولاً از راه‌های مختلفی تأمین می‌شود. راه متداول، ایجاد بدهی است. در برخی کشورها، شیوه‌های دیگری مانند تأمین مالی مستقیم از بانک مرکزی، تغییر نرخ ارز و تغییر قیمت نهاده‌ها یا کالاهایی که تأمین‌کننده آن دولت است (مانند سوخت و حامل‌های انرژی) نیز به این روش‌ها اضافه می‌شود.

عمده روش‌های مذکور، به گونه‌ای «پول‌پاشی» از منابع دیگر برای تأمین مخارج دولت به شمار می‌روند. اما به طور ویژه، پول‌پاشی از طریق بانک مرکزی در بودجه دولت، به طوری که امکان بازگرداندن آن وجود نداشته باشد، از مصادیق یک سیاست پولی غیرمتعارف به نام «توزیع هلیکوپتری» شمرده می‌شود. بنابراین فنی، ایجاد کسری و تأمین منابع آن از بانک مرکزی، به گونه‌ای که عملاً یا به دلایل اقتصاد سیاسی، امکان یا قصد بازستاندن منابع توزیع شده و کاستن از اثر گسترش پولی آن (استرلیزه کردن) وجود نداشته باشد، از مصادیق توزیع هلیکوپتری پول شمرده می‌شود. توزیع هلیکوپتری عمدتاً در اقتصادهای دچار رکود شدید و نرخ بهره پایین و به منظور رونق بخشی به اقتصاد، استفاده یا پیشنهاد می‌شود و استفاده از آن برای کشورهای دچار تورم و با نرخ بهره بالا، با خطرات شدید ارزیابی شده و توصیه نمی‌شود.

کشورهایی که در سیکل‌های چهارگانه سیاست‌های موسوم به عوامگرایی قرار داشته‌اند، در نهایت در معرض آسیب‌های خطرناک‌های پول‌پاشی، از جمله آبرتورم، بحران ارزی و بحران تعهدات، قرار گرفته‌اند و در نهایت، دسته‌های اسکناسی که گویی از آسمان پرتاب شده‌اند، هنگام رسیدن به زمین اقتصاد، تأثیراتی همانند بارش سنگ داشته‌اند.

در این گزارش، ضمن مرور فشرده بر ادبیات پول‌پاشی و سیاست‌های عوامگرایانه، تأثیرات موارد مختلف پول‌پاشی احتمالی در بودجه دولت در شرایط فعلی اقتصاد ایران بررسی شده است. طبق برآورد انجام شده در این گزارش، در شرایط فعلی اقتصاد ایران، هر پنجاه هزار میلیارد تومان پول‌پاشی در بودجه دولت (معادل کمی بیش از ۵۰ هزار تومان برای هر ایرانی)، در سال اول، اثر تورمی

معادل افزایش ۶/۴ درصد داشته باشد و پیش‌بینی تورم فعلی را از ۱۱/۲ درصد کنونی در سال جاری به ۱۷/۶ درصد در پایان سال برساند.

براین اساس، سناریوسازی مختلفی صورت گرفته است (جدول ۱). این جدول نشان می‌دهد که پیش‌بینی تورم سال ۱۳۹۶ پس از اجرای برنامه‌های افزایش کمک یا افزایش یارانه، در چه سطحی قرار خواهد گرفت (پیش‌بینی بدون اجرای این برنامه‌ها، ۱۱/۲ درصد است).

جدول ۱. پیش‌بینی تورم ۱۳۹۶ پس از اجرای برنامه‌های کمک

یا افزایش یارانه به ازای تعداد جمعیت (دهک) در سال اول (درصد)

میزان افزایش در یارانه (هزار تومان) یا میزان پرداخت کمک رفاهی جدید						تعداد دهک دریافت‌کننده	جمعیت متقاضی یا دریافت‌کننده (میلیون نفر)
۳۰۰	۲۵۰	۲۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۵۰		
تورم در سال اول اجرا (درصد)							
۱۴/۹	۱۴/۳	۱۳/۷	۱۳/۰	۱۲/۴	۱۱/۸	۱	۸
۱۸/۶	۱۷/۳	۱۶/۱	۱۴/۹	۱۳/۷	۱۲/۴	۲	۱۶
۲۲/۳	۲۰/۴	۱۸/۶	۱۶/۷	۱۴/۹	۱۳/۰	۳	۲۴
۲۵/۹	۲۳/۵	۲۱/۰	۱۸/۶	۱۶/۱	۱۳/۷	۴	۳۲
۲۹/۶	۲۶/۶	۲۳/۵	۲۰/۴	۱۷/۳	۱۴/۳	۵	۴۰
۳۳/۳	۲۹/۶	۲۵/۹	۲۲/۳	۱۸/۶	۱۴/۹	۶	۴۸
۳۷/۰	۳۲/۷	۲۸/۴	۲۴/۱	۱۹/۸	۱۵/۵	۷	۵۶
۴۰/۷	۳۵/۸	۳۰/۹	۲۵/۹	۲۱/۰	۱۶/۱	۸	۶۴
۴۴/۴	۳۸/۸	۳۳/۳	۲۷/۸	۲۲/۳	۱۶/۷	۹	۷۲
۴۸/۱	۴۱/۹	۳۵/۸	۲۹/۶	۲۳/۵	۱۷/۳	۱۰	۸۰

ضمن اینکه نباید فراموش کرد، ارقام مذکور، حداقل برآورد است، زیرا عوامل دیگری مانند احتمال خروج نقدینگی انباشته شده در حساب‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها (بیش از ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان) به بازارهای موازی مانند ارز، طلا و مسکن در صورت تزریق پول به میزان قابل اعتنا و افزایش شدید تورم وجود دارد که قابل الگوسازی نبوده است.



محدودیت ظرفیت مالی^۱ یعنی اینکه منابع در اختیار دولت، اجازه انعطاف بیشتر در مخارج کنونی یا اجرای برنامه‌های اقتصادی یا اجتماعی فراتر از وضعیت فعلی را نمی‌دهد. اجرای برنامه‌هایی که از ظرفیت مالی دولت خارج است به کسری بودجه منجر می‌شود. دولت‌ها معمولاً برای تأمین کسری بودجه به اقدامات مختلفی دست می‌زنند: استقراض از طریق انتشار اوراق بدهی، سیستم بانکی و بانک مرکزی (که در اصطلاح پولی کردن کسری گفته می‌شود) از مهمترین این شیوه‌ها به شمار می‌رود.

در ایران، علاوه بر پولی کردن کسری، دو شیوه دیگر تأمین کسری نیز وجود دارد که عبارتند از: افزایش نرخ ارز و افزایش قیمت حامل‌های انرژی. به عبارت دیگر، قیمت ارز خارجی و قیمت نهاده انرژی بیش از آنکه تابع سازوکار خاص، یا نظام ارزی یا بازار انرژی تعریف شده و منظمی باشد، به کسری مالی دولت پیوند خورده و با نوسانات اقتصاد سیاسی، نوسان می‌کند. به این معنی که، دولت‌ها تا هنگامی که ضروریات فضای مالی ایجاد نکرده، نه به نرخ ارز دست می‌زنند و نه به قیمت انرژی. اما آن هنگام که فضای مالی محدود شود، هم قیمت ارز را تغییر می‌دهند و هم به فکر اصلاح قیمت‌های انرژی می‌افتند.

در گزارش حاضر، با مرور ادبیات مرتبط با این حوزه، تأثیرات پول‌پاشی در بودجه در وضعیت کنونی اقتصاد ایران بررسی می‌شود.

پول‌پاشی و شیوه‌های آن

پایداری مالی به وضعیتی که گفته می‌شود که روند منابع قابل تأمین توسط دولت، بتواند پرداخت مخارج و تعهدات دولت را تضمین کند. دولت‌ها معمولاً تلاش می‌کنند میان منابع در اختیار و پیش‌بینی مخارج خود تعادل برقرار کنند. مشکل عمدتاً هنگامی به وجود می‌آید که:

- منابع دولت به شیوه‌ای غیرمطمئن تأمین می‌شود (مثلاً بخش عمده‌ای از آن به یک منبع طبیعی پرنوسان مانند نفت وصل است که نوسان قیمت یا مقدار صادرات آن در اختیار دولت نیست).
 - مخارج یا بدهی‌های دولت به دلایل مختلف اقتصادی (مثلاً تغییر شدید نرخ بهره داخلی یا خارجی) یا اقتصاد سیاسی (مثلاً برنامه‌های بلندپروازانه انتخاباتی) خارج از ظرفیت منابع باشد.
 - در چنین وضعیتی، کسری بودجه گریبانگیر دولت می‌شود.
- حالتی نیز وجود دارد که دولت‌های درگیر رکود اقتصادی، ممکن است عمده‌اً با هدف افزایش تقاضای کل اقتصاد و رونق بخشی به آن، برنامه‌های انبساطی اتخاذ کرده و کسری بودجه ایجاد کنند.

در هر صورت، دولت‌ها در مواجهه با کسری بودجه، با فهرستی از انتخاب‌های مختلف شامل موارد زیر مواجه هستند:

- استقراض غیر از بانک مرکزی (شبکه بانکی، انتشار اوراق بدهی و ...)
- تأمین مالی از بانک مرکزی (با بازگشت پول به بانک مرکزی یا به شیوه هلیکوپتری^۱)
- تغییر نرخ ارز (تسلط مالی و تسلط نفتی^۲)
- تغییر قیمت نهادها یا کالاهای در اختیار دولت
- کاهش قابل توجه مخارج
- افزایش قابل توجه مالیات‌ها.

معمولاً به دلایل اقتصادی (بیم دامن زدن به رکود در شرایطی که اقتصاد با رکود مواجه باشد) یا اقتصاد

۱. پول هلیکوپتری (HM) به سیاستی گفته می‌شود که بانک مرکزی با تزریق پول، عمدتاً از طریق بودجه دولت، موجب رونق در اقتصاد می‌شود. معمولاً از پول پاشی هلیکوپتری به عنوان جایگزین یا رقیب دیگر سیاست پولی غیرمتعارف، تسهیل مقداری (QE)، یاد می‌شود با این تفاوت که پول‌هایی که از طریق تسهیل مقداری به اقتصاد تزریق می‌شود، از آنجایی که عمدتاً از طریق خرید اوراق بدهی دولتی، (مانند اسناد خزانه) انجام می‌شود، در نهایت با سررسید شدن اوراق به بانک مرکزی برمی‌گردد، اما پول‌هایی که در پول پاشی هلیکوپتری و عمدتاً از طریق تأمین مالی مستقیم کسری بودجه دولت و بعضاً از طریق خرید اوراق بدهی دولتی بسیار بلندمدت یا با سررسید بی‌نهایت با نرخ بهره صفر تزریق می‌شود، به سیستم بانکی بر نمی‌گردد و یا قرار نیست برگردد.

برای درک راحت‌تر این مسئله تصور کنید که در وضعیتی که خانوار شما با کسری در تأمین مخارج خود مواجه است، اگر پدر بزرگ شما به شما قرضی بدهد که قرار باشد علاوه بر پرداخت سود آن، ولو آنکه، روزی اصل آن را به وی بازگردانید، سیاست تسهیل مقداری اتخاذ کرده است، اما اگر قرضی بدهد که اصولاً قرار نیست بازگردانده شود (هدیه) یا موعد سررسید آنقدر بلندمدت باشد که از عمر شما و پدر بزرگتان بیشتر باشد و سود آن نیز صفر باشد پول‌پاشی اتفاق افتاده است. از آنجا که پول‌پاشی در اکثر موارد از طریق بودجه دولت اتفاق می‌افتد، برخی از اقتصاددانان معتقدند که این سیاست، بیشتر از آنکه یک سیاست پولی باشد، باید در تقسیم‌بندی سیاست‌های مالی گنجانده شود که صرفاً کار تأمین مالی آن با بانک مرکزی است (کچتی و شوتنهولتز، ۲۰۱۶).

نکته اشتراک پول هلیکوپتری و تسهیل مقداری در این است که هر دو با هدف تحریک اقتصاد و معمولاً در شرایطی اجرا می‌شوند که اقتصاد در رکود شدید، عمدتاً همراه با تورم اندک و حتی منفی، قرار دارد و نرخ بهره نزدیک به صفر است. نکته تمایز این دو سیاست نیز در این مسئله عنوان می‌شود که پول‌های تزریق شده از طریق تسهیل مالی، به دلیل پیش‌بینی مسیر بازگشت آن به بانک مرکزی، به اصطلاح استرلیزه می‌شوند تا تأثیرات گسترش پولی بر افزایش تورم به حداقل ممکن کاهش یابد. اما در پول‌پاشی، مسیر برگشتی برای پول پرتاب شده به اقتصاد به بانک مرکزی وجود ندارد و تأثیرات تورمی سیاست ممکن است بروز کند.

نکته تمایز دیگر اینکه در حالی که سیاست تسهیل پولی عمدتاً از طریق و با هدف‌گذاری شبکه بانکی صورت می‌گیرد، پول‌پاشی معمولاً از طریق واسطه شبکه بانکی، اما با هدف‌گیری بودجه و مخارج دولت عملیاتی می‌شود. برای مثال، در حالت اول، بانک مرکزی با خرید اوراق بدهی شبکه بانکی، به شبکه بانکی و در نهایت اقتصاد پول تزریق می‌کند و در حالت دوم، بانک مرکزی به‌طور مستقیم به دولت پول می‌دهد یا اوراق بدهی دولتی با سررسید بی‌نهایت و نرخ صفر خریداری می‌کند. در هر دولت، شبکه بانکی واسطه ماجراست، اما در تسهیل مقداری، تحریک اقتصاد از طریق تسهیلات بانکی صورت می‌گیرد و در پول پاشی، تحریک اقتصاد از طریق مخارج دولت به اجرا گذاشته می‌شود. عبارت «معمولاً» از آنجا ذکر می‌شود که ممکن است شبکه بانکی نیز هدف پول‌پاشی قرار گیرد، چنان‌که برخی معتقدند آنچه در سال ۲۰۰۹ در اقتصاد آمریکا و کمک به شبکه بانکی این کشور رخ داد، بیشتر از آنکه به تسهیل مقداری شبیه باشد، عملاً یک پول‌پاشی در مقیاس وسیع بود.

۲. معمول است که در بسیاری از کشورهای نفت‌خیز، صرفنظر از اینکه نظام ارزی اعلام شده رسمی در این کشورها چه باشد، بانک مرکزی به‌منظور جلوگیری از نوسانات شدید در بازار ارز، در این بازار دخالت می‌کند. براساس ادبیات تسلط نفتی، دو انگیزه قوی این دخالت در بازار، وابستگی شدید تأمین مالی مخارج عمومی از بابت درآمدهای نفتی و احیاناً الزامات تسویه بدهی‌های ایجاد شده با ارز خارجی است. به این ترتیب، در برخی مواقع مشاهده می‌شود که در هنگام کاهش شدید قیمت یا درآمد نفت، میزان دخالت بانک مرکزی در بازار ارز و همزمان تلاطم در این بازار شدت می‌گیرد. در چنین شرایطی معمول است که بانک مرکزی به نیابت از دولت، به‌منظور تأمین کسری مالی، ارز را به نرخ بالاتری فروخته و در نهایت، نرخ ارز از میخکوب قبلی یا وضعیت تعادلی قبلی خود فاصله می‌گیرد. به این ترتیب، تسلط نفتی به تسلط مالی منجر می‌شود.

از دید فنی، تسلط نفتی تسلط مالی نیست، اما معمولاً به تسلط مالی منجر می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، تسلط مالی به‌طور متعارف به وضعیتی گفته می‌شود که سیاست پولی، عدم اعسار مالی دولت را تضمین می‌کند. به این ترتیب، نقش‌های سنتی سیاست پولی معکوس می‌شود: سیاست پولی، موازنه بدهی واقعی دولت را پوشش می‌دهد و تورم نیز توسط سیاست مالی مشخص می‌شود. این سازوکار از دو کانال مشخص اتفاق می‌افتد: بانک مرکزی کسری مالی دولت را از طریق چاپ پول - یا مشابه آن - پوشش می‌دهد (پول‌پاشی کردن کسری) و/یا بانک مرکزی از سیاست پولی برای تعیین تورم به میزانی که بدهی واقعی دولت را پایدار کند، استفاده می‌کند. در هر دو این وضعیت‌ها، احتمالاً سطح تورم بالاتر از حد معمول قرار گرفته و نوسان آن نیز بیشتر می‌شود. در هر دو این وضعیت‌ها، سیاست پولی قادر به کنترل تورم نیست و انتظارات تورمی نیز لنگری پیدا نمی‌کنند.



سیاسی (ریزش رأی پایگاه سیاسی)، عملاً دو گزینه آخر در شرایط حاد و در وضعیتی که چاره دیگری برای دولت نمانده باشد اتخاذ می‌شود.

پولی که برای تأمین مالی کسری بودجه دولت، در اقتصاد پاشیده می‌شود، بسته به نوع تأمین مالی و نیز بسته به شرایط اقتصاد، آثار مختلفی برجای می‌گذارد. برای مثال، اگر دولت پولی را از بانک مرکزی استقراض کند که بعداً بخواهد یا بتواند به آن برگرداند، تأثیر متفاوتی از وضعیتی خواهد داشت که همین پول را قرض کند، اما نتواند یا نخواهد برگرداند. همچنان که سیاست اخیر (پول‌پاشی هلیکوپتری) نیز بسته به شرایطی که اقتصاد در آن قرار دارد (رونق یا رکود) ممکن است تأثیرات متفاوتی برجای بگذارد.^۱

رابطه پول‌پاشی و مراحل چهارگانه سیاست‌های عوام‌گرایانه

در ادبیات اقتصاد سیاسی گفته می‌شود که به‌طور معمول، وعده‌هایی می‌توانند رأی اکثریت را جذب کنند که در میانه مطلوبیت رأی‌دهندگان قرار داشته باشند (نظریه رأی میانه) به‌طوری که، مجموع فاصله تمایلات رأی‌دهندگان از وعده‌های نامزدها در کمترین فاصله قرار داشته باشد. بر مبنای همین نظریه، عوام‌گرایی^۲ به وضعیتی گفته می‌شود که سیاستگذار یا سیاستمدار عوام‌گرا، علیرغم اینکه در چپ یا راست میانه رأی‌دهندگان قرار می‌گیرد، و در واقع، منافع اکثریت را تأمین نمی‌کند، اما با وجود این، می‌تواند رأی اکثریت را جذب کند.^۳ عوام‌گرایی اقتصادی عمدتاً در هنگامی بروز می‌کند که شخصیت عوام‌گرا در چپ میانه قرار داشته باشد (مانند تجربه کشورهای آمریکای لاتین) و عوام‌گرایی سیاسی – نژادی معمولاً در وضعیت راست میانه تجربه شده است (مانند برخی کشورهای اروپایی).

در ادامه همین ادبیات، عوام‌گرایی اقتصاد کلان^۴، به رویکردی گفته می‌شود که در حالی که بر رشد و توزیع درآمد متمرکز می‌شود، ریسک‌های ناشی از تورم، کسری بودجه و واکنش عوامل اقتصادی به دخالت‌های غیربازاری را در نظر نمی‌گیرد. معمولاً از رکود و نابرابری شدید درآمد و ثروت (یا احساس آن) به‌عنوان زمینه‌های بروز عوام‌گرایی یاد می‌شود. برای عوام‌گرایی اقتصاد کلان معمولاً چهار فاز مختلف ذکر شود:

– فاز اول: سیاست‌های انبساطی، معطوف به افزایش مخارج دولت، افزایش یارانه‌ها و ... به افزایش تقاضا، افزایش اشتغال، بهبود رشد اقتصادی و افزایش نرخ واقعی دستمزد می‌انجامد. کنترل‌های قیمتی،

۱. در ادبیات پول هلیکوپتری، از آنجایی که تجربه‌های عملی پول‌پاشی هلیکوپتری و تسهیل مقداری، معمولاً در فضای رکودی و تورم پایین تجربه شده‌اند، بنابراین، نگرانی چندانی از بابت تأثیرات تورمی آن مطرح نمی‌شود. با این حال، گفته می‌شود که در شرایطی که اقتصاد در وضعیت تورم متعارف یا تورم زیاد، همراه با رکود شدید قرار داشته باشد، ممکن است پول‌پاشی به تورم شدید و یا آبر تورم همراه با افزایش شدید نرخ ارز (بی ارزش شدن پول ملی) بیانجامد و از این‌رو، برای این اقتصادها توصیه نمی‌شود (ایسینگ، ۲۰۱۵).

2. Populism

3. Acemoglu, D., Egorov, G. and Sonin, K., 2011. A political theory of populism (No. w17306). National Bureau of Economic Research. <http://www.nber.org/papers/w17306>

4. Dornbusch, R. and Edwards, S., 1989. Macroeconomic Populism in Latin America (No. w2986). National Bureau of Economic Research. <http://www.nber.org/papers/w2986.pdf>

افزایش واردات و نرخ ارز پایین (پول داخلی با ارزش) برای جلوگیری از افزایش تورم اعمال می‌شود و در ظاهر همه چیز وفق مراد است.

– فاز دوم: به دلیل افزایش شدید تقاضا برای کالاهای داخلی، موجودی انبار به شدت کاهش پیدا می‌کند. به دلیل محدودیت منابع ارزی، واردات پاسخگوی تقاضای داخلی نیست. برای کنترل وضعیت، سیاست تثبیت نرخ ارز اندکی رها می‌شود و همزمان کنترل‌های قیمتی تشدید می‌شوند. تورم افزایش پیدا می‌کند. دستمزدهای اسمی افزایش پیدا می‌کنند و در نهایت کسری بودجه تشدید می‌شود.

– فاز سوم: کمبود در طرف عرضه، افزایش در قیمت‌ها، شکاف ارزی خارجی و خروج سرمایه از اقتصاد تشدید می‌شود. به دلیل یارانه‌های فزاینده و کاهش در مالیات جمع‌آوری شده، کسری بودجه بیش از پیش افزایش می‌یابد. دولت تلاش می‌کند با کاهش یارانه‌ها یا افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول داخلی) کسری بودجه را کنترل کند. دستمزدهای واقعی و قدرت خرید به دلیل تورم فزاینده به شدت کاهش پیدا می‌کنند. در این مرحله، به نظر می‌رسد که اختیار کار ممکن است از دست دولت خارج شود.

– فاز چهارم: ترمز سیاست‌های قبلی کشیده می‌شود. به منظور کاهش تقاضا و تثبیت اقتصاد کلان، سیاست‌های ریاضتی شدید و کاهش مخارج به اجرا گذاشته می‌شود. در این مرحله که قدرت خرید و دستمزدهای واقعی به بدتر از شرایط فاز یک باز گشته است، اجرای سیاست‌های تثبیت کلان، به کاهش بیش از پیش تقاضا، کاهش اشتغال و نارضایتی شدید و تلاطم سیاسی دامن می‌زند... و دولت یا نظام جدید سیاسی بر سر کار می‌آید.

با توجه به تعریفی که از عوام‌گرایی اقتصاد کلان در بالا ارائه شد و مراحل مختلف آن و نیز تجربه کشورهای مختلف درگیر در این عارضه و نیز خصوصیات سیاست‌های مالی و پولی تجربه شده در چنین وضعیت‌هایی به نظر می‌رسد، آنچه که در فاز یک سیاست‌های عوام‌گرایانه اتفاق می‌افتد، عملاً استفاده از شیوه‌های مختلف پول‌پاشی باشد.

در تجربه کشورهای درگیر عوام‌گرایی، با افزایش مخارج دولت یا افزایش یارانه‌های دولتی و یا تعریف برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی معطوف به افزایش رضایت سیاسی که در نهایت مخارج دولت را به شدت افزایش می‌دهند، کسری بودجه ایجاد می‌شود و دولت کسری خود را از منابع مختلف مذکور در گزارش (به ویژه بانک مرکزی) ... جبران می‌کند. براساس تجارب کشورهای مختلف، پول‌پاشی مذکور در نهایت در فازهای دوم و سوم به تشدید کسری، داغ کردن بیش از حد اقتصاد^۱ و در نهایت تورم شدید منجر می‌شود، تورمی که در نهایت دستمزد واقعی و قدرت خرید را کاهش داده و به قبل از فاز یک تنزل می‌دهد و زمینه بروز آسیب‌های دیگر ناشی از درپیش گرفتن سیاست‌های خنک‌کننده اقتصاد از جمله کاهش اشتغال و... دامن می‌زند و ممکن است زمینه‌ساز تحولات سیاسی شدید شود.



چند سناریوی پول‌پاشی برای اقتصاد ایران

برای بررسی تأثیرات پول‌پاشی فرض می‌کنیم هر واحد پول ۵۰ هزار میلیارد تومان باشد که قرار است به اقتصاد پرتاب شده یا تزریق شود. به عبارت دیگر دولت بخواهد برنامه‌ای را اجرا کند که ۵۰ هزار میلیارد تومان کسری داشته باشد و بخواهد آن را به گونه‌ای تأمین کند (هر واحد مذکور تقریباً معادل حدود ۵۰ هزار تومان در ماه برای هر ایرانی است. به عبارت دیگر، یکی از این برنامه‌های فرضی می‌تواند، افزایش یارانه تمام ایرانیان، به مبلغ حدود ۵۰ هزار تومان باشد).

بر اساس برآورد انجام شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نرخ تورم سال ۱۳۹۶ برابر ۱۱/۲ درصد خواهد بود. براساس همین چارچوب پیش‌بینی متغیرهای اقتصاد کلان، در صورت توزیع واحد پولی مذکور، این نرخ افزایش خواهد یافت و بسته به اینکه منابع مالی کسری از چه محلی تأمین شود اثر تورمی این سیاست متفاوت است. در ادامه به برخی از گزینه‌های محتمل پول‌پاشی جهت تأمین کسری مذکور پرداخته می‌شود.

گزینه ۱. یک راه شایع برای تأمین کسری فوق، دریافت از بانک مرکزی خواهد بود. در صورتی که دولت بخواهد این مبلغ را از محل بانک مرکزی جبران نماید پایه پولی در سال ۱۳۹۶ حدود ۲۷ درصد افزایش یافته و فقط همین سیاست، آثار تورمی حدود ۶/۴ درصدی در این سال خواهد داشت. به عبارت دیگر، تورم را از حدود ۱۱/۲ درصد به ۱۷/۶ درصد خواهد رساند. بدیهی است با توجه به رشد قابل توجه پایه پولی و نقدینگی اثر تورمی با تأخیر این سناریو در سال‌های بعد نیز قابل توجه است.

گزینه ۲. در صورتی که دولت تصمیم به افزایش قیمت انرژی جهت تأمین منابع مالی داشته باشد با سناریوهای مختلفی روبرو خواهد بود که هر یک آثار تورمی متفاوتی خواهند داشت. برای سادگی کار و تصور آن در اینجا فرض شده است که دولت تنها قیمت یک حامل انرژی (بنزین) را افزایش دهد. در این صورت قیمت این فرآورده نفتی باید به ۲۷۰۰ تومان برسد و این به معنی ۶/۹ درصد افزایش نرخ تورم در سال ۱۳۹۶ خواهد بود و تورم از ۱۸ درصد عبور خواهد کرد.

گزینه ۳. در صورتی که تأمین این رقم به وسیله استقراض از غیر از بانک مرکزی باشد نیز آثار تورمی در یک سال حدود ۵/۵ درصد خواهد بود.^۱

گزینه ۴. برآوردها نشان می‌دهد در صورتی که دولت بخواهد این رقم را از طریق افزایش نرخ ارز تأمین نماید باید نرخ ارز ۱۸۵۰ تومان نسبت به وضعیت فعلی افزایش یابد که در نتیجه نرخ ارز در پایان سال ۱۳۹۶ به ۶۱۰۰ تومان افزایش خواهد یافت و این موضوع باعث افزایش نرخ تورم به میزان ۶/۸ درصد در سال ۱۳۹۶ خواهد شد.

متوسط افزایش تورم در گزینه‌های چهارگانه فوق، ۶/۴ درصد در سال اول به ازای هر واحد

۱. مکانیسم تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم از کانال‌های مختلف از جمله فشار بر نرخ بهره، افزایش هزینه تأمین مالی و ...

پول‌پاشی از طریق بودجه است. میزان افزایش در تورم برای سال اول، در هر کدام از گزینه‌های فوق و در واحدهای مختلف تزریق پول به بودجه، به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. افزایش تورم برای سال اول پس از پول‌پاشی (درصد)

افزایش نرخ ارز	افزایش قیمت حامل انرژی	استقراض از غیر از بانک مرکزی	بانک مرکزی	سناریوی اجرا شده / تعداد واحد پرتاب شده
۶/۸	۶/۹	۵/۵	۶/۴	۱ واحد
۱۳/۶	۱۳/۸	۱۱	۱۲/۸	۲ واحد
۲۰/۴	۲۰/۷	۱۶/۵	۱۹/۲	۳ واحد
۲۷/۲	۲۷/۶	۲۲	۲۵/۶	۴ واحد
۳۴	۳۴/۵	۲۷/۵	۳۲	۵ واحد
۴۰/۸	۴۱/۴	۳۳	۳۸/۴	۶ واحد

براساس جدول فوق می‌توان سناریوسازی‌های متعددی را انجام داد. برای مثال در جداول ۳ و ۴، میزان افزایش در تورم و نیز پیش‌بینی تورم جدید در سال ۱۳۹۶، پس از افزایش‌های رفاهی یارانه‌ای به ازای تعداد جمعیت دریافت‌کننده کمک یا یارانه ذکر شده است:

جدول ۳. میزان افزایش در تورم به ازای اجرای برنامه‌های کمک

یا افزایش یارانه به ازای تعداد جمعیت (دهک) در سال اول (درصد)

میزان افزایش در یارانه (هزار تومان) یا میزان پرداخت کمک رفاهی جدید						تعداد دهک دریافت‌کننده	جمعیت متقاضی یا دریافت‌کننده (میلیون نفر)
۳۰۰	۲۵۰	۲۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۵۰		
افزایش تورم در سال اول اجرا (درصد)							
۳/۷	۳/۱	۲/۵	۱/۸	۱/۲	۰/۶	۱	۸
۷/۴	۶/۱	۴/۹	۳/۷	۲/۵	۱/۲	۲	۱۶
۱۱/۱	۹/۲	۷/۴	۵/۵	۳/۷	۱/۸	۳	۲۴
۱۴/۷	۱۲/۳	۹/۸	۷/۴	۴/۹	۲/۵	۴	۳۲
۱۸/۴	۱۵/۴	۱۲/۳	۹/۲	۶/۱	۳/۱	۵	۴۰
۲۲/۱	۱۸/۴	۱۴/۷	۱۱/۱	۷/۴	۳/۷	۶	۴۸
۲۵/۸	۲۱/۵	۱۷/۲	۱۲/۹	۸/۶	۴/۳	۷	۵۶
۲۹/۵	۲۴/۶	۱۹/۷	۱۴/۷	۹/۸	۴/۹	۸	۶۴
۳۳/۲	۲۷/۶	۲۲/۱	۱۶/۶	۱۱/۱	۵/۵	۹	۷۲
۳۶/۹	۳۰/۷	۲۴/۶	۱۸/۴	۱۲/۳	۶/۱	۱۰	۸۰



جدول ۴. پیش بینی تورم ۱۳۹۶ پس از اجرای برنامه‌های کمک یا افزایش یارانه به ازای تعداد جمعیت (دهک) در سال اول (درصد) (تورم بدون اجرای برنامه‌ها، ۱۱/۲ درصد)

میزان افزایش در یارانه (هزار تومان) یا میزان پرداخت کمک رفاهی جدید						تعداد دهک دریافت‌کننده	جمعیت متقاضی یا دریافت‌کننده (میلیون نفر)
۳۰۰	۲۵۰	۲۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۵۰		
تورم در سال اول اجرا (درصد)							
۱۴/۹	۱۴/۳	۱۳/۷	۱۳/۰	۱۲/۴	۱۱/۸	۱	۸
۱۸/۶	۱۷/۳	۱۶/۱	۱۴/۹	۱۳/۷	۱۲/۴	۲	۱۶
۲۲/۳	۲۰/۴	۱۸/۶	۱۶/۷	۱۴/۹	۱۳/۰	۳	۲۴
۲۵/۹	۲۳/۵	۲۱/۰	۱۸/۶	۱۶/۱	۱۳/۷	۴	۳۲
۲۹/۶	۲۶/۶	۲۳/۵	۲۰/۴	۱۷/۳	۱۴/۳	۵	۴۰
۳۳/۳	۲۹/۶	۲۵/۹	۲۲/۳	۱۸/۶	۱۴/۹	۶	۴۸
۳۷/۰	۳۲/۷	۲۸/۴	۲۴/۱	۱۹/۸	۱۵/۵	۷	۵۶
۴۰/۷	۳۵/۸	۳۰/۹	۲۵/۹	۲۱/۰	۱۶/۱	۸	۶۴
۴۴/۴	۳۸/۸	۳۳/۳	۲۷/۸	۲۲/۳	۱۶/۷	۹	۷۲
۴۸/۱	۴۱/۹	۳۵/۸	۲۹/۶	۲۳/۵	۱۷/۳	۱۰	۸۰

در برآوردهای فوق باید توجه کرد که این ارقام، حداقل برآورد است، زیرا عوامل دیگری مانند احتمال خروج نقدینگی موجود از سیستم بانکی در صورت افزایش شدید تورم و تشدید بیش از پیش تورم ایجاد شده، در نظر گرفته نشده و قابل الگوسازی نبوده است.

شایسته ذکر است که در حال حاضر برخی از بانک‌های کشور دچار اعسار ترازنامه‌ای هستند و ارزش واقعی دارایی‌های آنها کمتر از بدهی‌های آنهاست. بخش کوچکی از این اعسار در سال گذشته و با ابلاغ صورت‌های مالی نمونه توسط بانک مرکزی و اصرار بانک مرکزی بر تعدیل اجزای مختلف ترازنامه بانک‌ها، از جمله نگهداری ذخایر بیشتر برای مطالبات غیرجاری، مشخص شد که شایسته تقدیر است.

در عین حال تحلیل‌های کلان صورت‌گرفته توسط برخی کارشناسان حاکی از وجود شکافی بسیار عمیق بین ارزش واقعی دارایی‌ها و بدهی‌های شبکه بانکی است (رقمی به مراتب بیش از سرمایه کل شبکه بانکی). بخش قابل توجهی از این شکاف به عملکرد بانک‌ها و بانک مرکزی در سال‌های اخیر بازمی‌گردد: از طرفی بانک‌ها جهت پرداخت سود سپرده‌های گذشته، سپرده جدید خلق می‌کردند (رشد سریع سمت بدهی ترازنامه) در حالی که به علت انجماد بخش اعظمی از دارایی‌های بانک‌ها، چرخه بازپرداخت تسهیلات و فروش سرمایه‌گذاری‌های آنها متوقف شده بود (عدم امکان انقباض ترازنامه). لذا رشد نقدینگی افزایش یافت و این رشد نقدینگی، تقاضای ذخایر بانک مرکزی را افزایش داد (به‌منظور تأمین ذخیره قانونی بانک‌ها).

از طرف دیگر به دلیل اعتقاد بانک مرکزی و کارشناسان اقتصادی دولت مبنی بر لزوم محدود کردن

رشد پایه پولی، عرضه ذخایر بانک مرکزی شدیداً کاهش یافت. افزایش سریع نقدینگی توسط بانک‌ها (و افزایش تقاضای ذخایر توسط بانک‌ها) و همزمان محدود کردن عرضه ذخایر توسط بانک مرکزی، منجر به افزایش قیمت ذخایر (نرخ بهره بازار بین بانکی) شد. افزایش نرخ بهره نیز به نوبه خود، چرخه معیوب فوق را تشدید کرد و سرعت رشد بدهی‌های بانک‌ها را مجدداً افزایش داد.

سیاست‌های بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار در سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ اعم از کاهش نرخ ذخیره قانونی، عرضه ۲۵۰ هزار میلیارد ریال ذخایر در بازار بین بانکی و تبدیل اضافه برداشت بانک‌ها به خط اعتباری و تقسیط آنها، همگی در پاسخ به معضل فوق (نرخ بهره بسیار بالای بانکی) بوده است. ولی از آنجا که اولاً عرضه ذخایر به اندازه کافی (متناسب با رشد نقدینگی) و در زمان لازم نبوده است و ثانیاً بانک‌های ناسالم و پرریسک همچنان به فعالیت ادامه دادند و عملاً رهبری قیمت در بازار پول را در دست گرفتند، علیرغم کاهش تورم نرخ بهره کاهش نیافت. این وضعیت یک چرخه منفی را هم در تعمیق بحران اعسار بانک‌ها و هم در تشدید رکود اقتصادی فعال کرده است. اولاً نرخ بهره بالا، سرعت رشد بدهی بانک‌ها (سپرده‌ها) را افزایش می‌دهد و در شرایطی که نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی پایین است، شکاف میان دارایی‌های واقعی و بدهی‌های بانک‌ها را بیشتر و بیشتر می‌نماید (تعمیق بحران). ثانیاً شکاف زیاد میان نرخ بهره و نرخ تورم، انگیزه تولید، سرمایه‌گذاری و مصرف را کاهش داده و رکود اقتصاد ایران را تشدید کرده است.

همزمان با رشد سمت بدهی ترازنامه بانک‌ها (سپرده‌ها) بانک‌ها به منظور پنهان کردن اعسار خود، ناچار به رشد دادن سمت راست ترازنامه یعنی دارایی‌ها (اعم از تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها) بوده‌اند. این کار از طریق امهال تسهیلات معوق و سوخت‌شده بانک‌ها (با نرخ‌های بهره بالا) و همچنین معاملات صوری بر روی دارایی‌های ثابت (املاک و مستغلات) بانک‌ها انجام شد و موجب شد تا بخش مهمی از دارایی‌های شبکه بانکی در حال حاضر، «موهومی» باشد. لذا بخش قابل توجهی از تسهیلاتی که در سمت دارایی بانک‌ها به صورت مستمر در حال متورم شدن است، اساساً قابل پرداخت نیست.

باید توجه داشت که تحولات فوق از سال‌های ۱۳۹۲ تا کنون منجر به رشد حجم سپرده (بدهی) بانک‌ها به میزان حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان شده و مهمترین علت عدم ایجاد تورم بالا ناشی از این حجم سرسام‌آور نقدینگی طی این مدت، نرخ بهره بانکی بسیار بالا بوده است. همچنین نرخ بهره کنونی که هیچ‌گونه تناسبی با بازدهی بخش واقعی اقتصاد ندارد، موجب عمیق‌تر شدن بحران اعسار بانک‌ها شده است.

با توجه به تحلیل‌های فوق، در صورت تزریق پول به میزان قابل اعتنا (برای مثال، یک واحد معادل ۵۰ هزار میلیارد تومان)، یقیناً نرخ بهره بین بانکی شدیداً افت خواهد کرد. این امر موجب هجوم نقدینگی انباشت شده در حساب‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها (بیش از ۱۰۰۰



هزار میلیارد تومان)، به بازارهای دارایی نظیر ارز، طلا و مسکن خواهد شد. بر این اساس، تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های ارائه شده در خصوص میزان تورم ناشی از سیاست پول‌پاشی، بسیار کمتر از تورمی است که در عمل رخ خواهد داد و قابل الگوسازی نبوده است.

نکته دیگری که علاوه بر خطرات مرتبط با خروج نقدینگی به بازارهای دیگر و ورود به فاز آبرتورمی اقتصاد، باید در نظر گرفت اینکه امکان اجرا در عمل به همین سادگی نیست و در هر سناریو باید ملاحظات دقیق‌تر بودجه‌ای و پولی را در نظر گرفت.

برای مثال، توجه به احکام قانون بودجه سال ۱۳۹۶ درباره هدفمندسازی یارانه‌ها، وضعیت منابع و مصارف یارانه‌ها را روشن می‌کند. براساس تبصره «۱۴» قانون بودجه، منابع و مصارف مرتبط با یارانه‌ها به شرح جدول ۵ تعیین شده است:

جدول ۵. سقف منابع و مصارف یارانه‌ها (هزار میلیارد تومان)

مبلغ	مصارف	مبلغ	منابع
۳۳,۵	۱. پرداخت یارانه نقدی و غیرنقدی خانوارها	۴۸	خالص وجوه ناشی از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و ردیف‌های یارانه‌ای قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور
۴	۲. ماده (۹۴) قانون برنامه ششم توسعه موضوع افزایش حداقل مستمری خانوارهای مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی متناسب با سطح محرومیت بر مبنای متوسط بیست درصد (۲۰٪) حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار (سهم کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی چهل هزار میلیارد ریال می‌باشد)		
۴,۸	۳. ماده (۴۶) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) موضوع کاهش سهم هزینه‌های مستقیم سلامت مردم، ایجاد دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی، کمک به تأمین هزینه‌های تحمل‌ناپذیر درمان، پوشش دارو، درمان بیماران خاص و صعب‌العلاج		
۰,۱	۴. تولید واکسن فلج اطفال تزریقی و تولید فرآورده‌های بیولوژیک انسان در اختیار مؤسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی		
۰,۱	۵. توسعه مراکز فوریت‌های اجتماعی در یکصد و چهل شهر بالای پنجاه هزار نفر جمعیت در اختیار سازمان بهزیستی		
۱	۶. حمایت از تولید، اشتغال با اولویت جوانان، مسکن، حمل‌ونقل عمومی، صادرات غیرنفتی و طرح‌های بهینه‌سازی و ارتقای بهره‌وری مصرف انرژی، تقویت منابع صندوق کارآفرینی امید		
۳	۷. تأمین مواد اولیه قیر برای روکش آسفالت و آسفالت راه‌های روستایی و مدارس		
۱,۵	۸. پنج درصد (۵٪) بند «د» تبصره «۱» این قانون مرتبط با نوسازی خطوط انتقال نفت		
۴۸	جمع	۴۸	جمع

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، اگر بخواهیم ۴۸ هزار میلیارد تومان منابع سازمان هدفمندی‌سازی یارانه‌ها را تأمین کنیم، لازم است علاوه بر سهم سازمان از منابع حاصل از فروش حامل‌های انرژی (که پیش‌بینی می‌شود حداکثر حدود ۳۶ هزار میلیارد تومان باشد)، از بودجه عمومی نیز حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان به سازمان مذکور اختصاص دهیم.

سازمان هدفمندی‌سازی یارانه‌ها مجاز است فقط ۳۳/۵ هزار میلیارد تومان از منابع خود را صرف پرداخت نقدی به خانوارها نماید. به عبارت دیگر، اگر قرار باشد در سال ۱۳۹۶ ماهیانه ۴۵/۵ هزار تومان پرداخت شود تنها می‌توان به ۶۱ میلیون نفر یارانه نقدی پرداخت کرد؛ در حالی که در اسفندماه ۱۳۹۵ به بیش از ۷۵ میلیون نفر یارانه نقدی پرداخت شده است. به عبارت دیگر، اجرای قانون بودجه سال ۱۳۹۶، بدون هیچ‌گونه افزایش یارانه، نیازمند حذف ۱۴ میلیون نفر از صف دریافت یارانه نقدی از ابتدای سال ۱۳۹۶ است.

اگر دولت بخواهد در سال ۱۳۹۶ همچنان به ۷۵ میلیون نفر یارانه پرداخت کند و زادوولد جدیدی نیز صورت نگیرد، در کل سال نیازمند حدود ۴۱ هزار میلیارد تومان است و در عمل منابع زیادی برای انجام سایر تکالیف مندرج در تبصره «۱۴» وجود نخواهد داشت.

حال اگر بخواهیم یارانه عده‌ای، مثلاً چند دهک را افزایش دهیم، علاوه بر قیود بودجه‌ای که در سطور قبل به آن اشاره شد، نکات دیگری نیز باید مد نظر قرار گیرد. مثلاً اینکه که بر فرض امکان شناسایی دقیق، اعمال افزایش بر اساس معیار دهکی کاری بسیار دشوار است، زیرا با افزایش پرداخت‌ها به چند دهک جمعیتی، به دلیل نزدیکی زیاد درآمدهای دهک‌های جمعیتی، بلافاصله جای این دهک با دهک‌ها دیگری عوض خواهد شد و دوباره براساس همین معیار، نیازمند یارانه خواهند شد. این امر دارای تبعات اجتماعی و سیاسی است که تحلیل آن در قلمرو این گزارش نیست.

همچنین ممکن است گفته شود که همه منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی در محاسبات منظور نشده و در نتیجه منابع دیگری برای افزایش یارانه‌ها وجود دارد. در پاسخ، شایان ذکر است که همه منابع حاصل از فروش حامل‌های انرژی به مصارف مشخصی اختصاص یافته و هرگونه ایجاد مصرف جدید، مستلزم کاهش سهم سایر هزینه‌هاست. به عبارت دیگر، منابع حاصل از فروش حامل‌های انرژی طبق قانون به شهرداری‌ها (بابت سهم آنها از مالیات بر ارزش افزوده)، شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی (بابت هزینه تولید حامل‌های انرژی از قبیل بنزین، نفت و گاز، برق و ...)، مصوبات مجلس و در نهایت سازمان هدفمندی‌سازی یارانه‌ها (بابت پرداخت یارانه نقدی) اختصاص می‌یابد.

لازم به توضیح است که مصوبات متعدد مجلس از طریق اختصاص منابع حاصل از فروش حامل‌های انرژی به امور مختلف از جمله ۵ درصد از فروش فرآورده‌های نفتی بابت نوسازی خطوط لوله (بند «د» تبصره «۱» قانون بودجه ۱۳۹۵)، یا ۱۰ درصد از فروش گاز طبیعی بابت گازرسانی به روستاها (ماده



(۶۵) قانون الحاق (۲)، قیر رایگان برای مدارس و راه‌های روستایی (بند «ه» تبصره «۱» قانون بودجه ۱۳۹۵) و بهینه‌سازی مصرف انرژی (ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید) سبب کاهش سهم سازمان هدفمندسازی شده است. نکته قابل توجه اینکه هرگونه تصمیمی درباره نفت خام و گاز طبیعی مصرف شده در داخل کشور بر منابع در اختیار سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها تأثیر می‌گذارد. در سال ۱۳۹۵، شرکت‌ها موظف بودند بیش از ۹۸۰۰ میلیارد تومان از منابع حاصل از فروش داخلی نفت خام و گاز طبیعی را به اموری مندرج در جدول ۶ اختصاص دهند.

جدول ۶. تکالیف شرکت‌ها براساس قانون (میلیارد تومان)

۱۵۰۰	نوسازی و توسعه شبکه خطوط لوله انتقال نفت خام (بند «د» تبصره «۱» قانون بودجه ۱۳۹۵)
۱۰۰۰	قیر رایگان برای مدارس و راه‌های روستایی (بند «ه» تبصره «۱» قانون بودجه ۱۳۹۵)
۷۰۰۰	بهینه‌سازی مصرف انرژی (ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید)
۳۳۱	گازسانی به روستاها و تأمین و استانداردسازی سامانه گرمایشی و سرمایشی مدارس (ماده (۶۵) قانون الحاق (۲))
۹۸۳۱	جمع

مأخذ: داده‌ها بر اساس گزارش سازمان برنامه و بودجه.

راه درست

آن هنگام که اقتصاد با رکود مواجه باشد و یا مشکل بیکاری فزاینده باشد و یا فقر (عمدتاً همراه با نابرابری) چشمگیر باشد، دولت‌ها معمولاً تلاش می‌کنند با اجرای برنامه‌های افزایش تقاضا، یا توزیع درآمد با این مشکلات مواجهه کنند. به دلیل زمانبر بودن یا داشتن هزینه سیاسی، راه‌حل‌های اصلاح ساختار معمولاً و عملاً در اولویت قرار نمی‌گیرند. آنچه اتفاق می‌افتد معمولاً خروج از ظرفیت مالی دولت، ایجاد کسری بودجه، تأمین مالی کسری ایجاد شده به طرق مختلف و در نهایت نتایج تورمی آن است که در دوره‌های بعدی تأثیرات، خود به مشکلات تولید و اشتغال دامن زده و فقر و نابرابری را تشدید می‌کند. به عبارت دیگر، معمولاً تلاش دولت‌ها برای حل مشکلات مرتبط با فقرزدایی و اشتغال عملاً انضباط مالی را مختل می‌کند. در این بخش گزارش، به‌طور خلاصه برخی شیوه‌های مواجهه درست با فقر و اشتغال و نیز انضباط مالی را مرور می‌کنیم.

الف) فقر

برای مواجهه با فقر، می‌توان در سه سطح، استراتژی، منابع و مصارف بحث کرد:

– استراتژی فقرزدایی: بنابر تجارب متعدد کشورها در فقرزدایی، مواجهه با فقر، بدون داشتن راهبرد مشخص (عموماً متکی بر افزایش موقتی مخارج رفاهی دولت) معمولاً به سرانجام نمی‌رسد و

حداکثر در میان مدت، تأثیرات مثبت خود را از دست می‌دهد (اگر اثر منفی و تشدید فقر در پی نداشته باشد). بنابراین، گام نخست، پیش از هر گونه اقدام برای افزایش مخارج دولت، توزیع یا بازتوزیع، داشتن راهبرد مشخص است. راهبردهای مختلفی برای فقرزدایی پیشنهاد شده است. دو راهبرد اصلی عبارتند از راهبرد رشد حامی فقرا^۱ و راهبرد رشد فراگیر^۲.

– رشد حامی فقرا: رشدی است که وضعیت فقرا را بهبود بخشد. این راهبرد، در دو تعریف مطلق^۳ و نسبی^۴ ارائه شده است. در تعریف مطلق، رشدی حامی فقراست که به طور مطلق (براساس شاخص‌های کمی فقر مثلاً خط فقر غذایی)، وضعیت فقرا را بهبود بخشد. اما در تعریف نسبی، رشدی حامی فقرا ارزیابی می‌شود که سرعت بهبود فقرا در جریان رشد، بیشتر از بهبود در کل جمعیت باشد (به این ترتیب، نابرابری نیز کاهش پیدا می‌کند).

تعریف مطلق این اشکال را دارد که می‌تواند بدون رشد و ایجاد اشتغال و صرفاً با در پیش گرفتن سیاست‌های بازتوزیعی نیز اتفاق بیافتد. تعریف نسبی هم این اشکال را دارد که نتیجه این راهبرد در نهایت ممکن است، هم برای فقرا و هم برای سایر اقشار نتیجه بهینه نداشته باشد؛ مثلاً حالتی را تصور کنید که دولت قرار است بین دو استراتژی رشد، که اولی درآمد فقرا را ۳ درصد و درآمد کل جمعیت را ۲ درصد افزایش می‌دهد و دومی، درآمد فقرا را ۴ درصد و درآمد کل جمعیت را ۶ درصد افزایش می‌دهد انتخاب کند. براساس تعریف نسبی، اولویت با استراتژی اولی خواهد بود، زیرا بهبود در جمعیت فقیر بیشتر از کل جمعیت است (و نابرابری را کاهش می‌دهد)، در حالی که وضعیت فقرا در این استراتژی، در واقع، کمتر از استراتژی دوم، بهتر می‌شود.^۵

– رشد فراگیر: برای رفع دو مشکل ذکر شده و نیز برخی مشکلات فنی و تحلیلی دیگر، راهبرد جدیدی با عنوان راهبرد رشد فراگیر مطرح شده است. رشد فراگیر اصطلاحاً رشدی است که ثمرات آن به تمام بخش‌های جامعه برسد. این تعریف ممکن است در نگاه اول کمی مبهم به نظر برسد بنابراین، عمدتاً آن را براساس وجوه تشابه یا تمایز با سایر راهبردهای رشد تعریف می‌کنند به این ترتیب که اولاً این راهبرد با تعریف مطلق رشد حامی فقرا، سازگار است (وضعیت فقرا در جریان آن به طور مطلق بهبود می‌یابد) ثانیاً در جریان آن حتماً باید بهره‌وری^۶ کار و یا بهره‌مندی^۷ از نیروی کار

1 Pro-poor Growth Strategy

2 Inclusive Growth Strategy

3 Absolute Pro-poor Growth

4 Relative Pro-poor Growth

۵ برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

Anand, R., Mishra, M.S. and Peiris, S.J., 2013. Inclusive Growth: Measurement and Determinants (No. 13-135). International Monetary Fund.

6. Productivity

7. Utilization

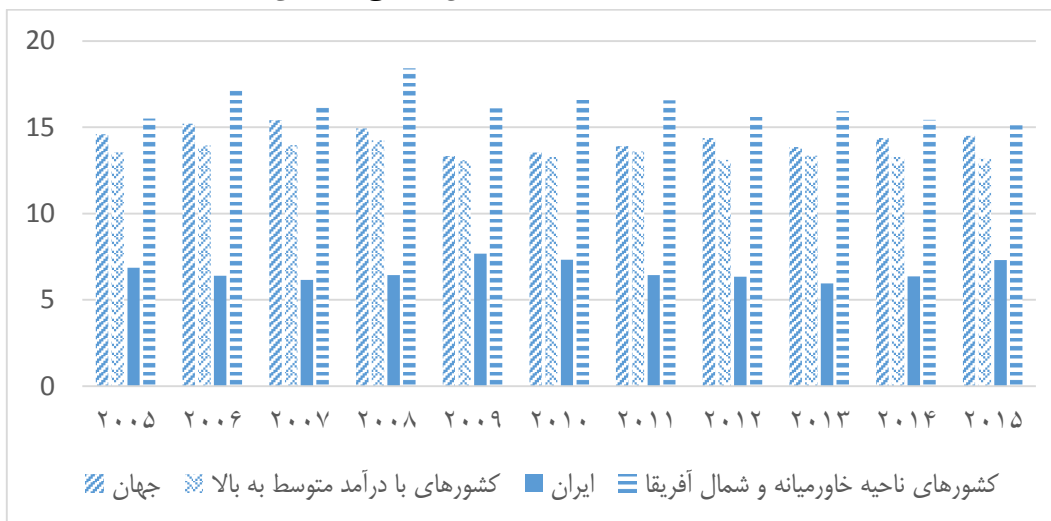


افزایش یافته باشد (وجه تمایز با تعریف مطلق حامی فقرا که صرفاً با بازتوزیع هم قابل حصول است)، **ثالثاً** پایدار باشد (یعنی اولاً رشد در تمام بخش‌ها^۱ بوده و متنوع‌سازی اقتصاد - خروج از وابستگی به محصولات خاص - اتفاق بیافتد و ثانیاً در جریان رشد، دسترسی و یا بهره‌مندی همگان^۲ - صرفنظر از وضعیت اقتصادی، جنسیت، موقعیت جغرافیایی - از بازارها، منابع، قواعد به‌طور یکسان تضمین شود). به عبارت دیگر، هر چقدر تعریف مطلق رشد حامی فقرا یک تعریف پسینی^۳ از بهبود وضعیت فقرا ارائه می‌دهد (ثمرات رشد چه قدر به فقرا رسیده است)، رشد فراگیر ریشه‌های زاینده فقر را نیز پوشش داده و به ارزیابی پیشینی^۴ تری از رابطه رشد و فقر می‌پردازد.

- منابع: صرفنظر از استراتژی، دولت برای اجرای برنامه‌های حمایتی یا رفاهی خود و پیاده‌سازی راهبرد مناسب تدوین شده، همان‌گونه که در ابتدای این گزارش گفته شد، ناچار به حرکت در چارچوب ظرفیت مالی خود است. اما ظرفیت مالی دولت برای اجرای برنامه‌های حمایتی و رفاهی، بستگی به میزان منابعی دارد که دولت می‌تواند از طریق نفت یا مالیات تجهیز می‌کند. با توجه به برون‌زا و نوسانی بودن نفت، ظرفیت غیرسیکلی (پایدار) منابع دولت عمدتاً توسط مالیات و کارآمدی سیستم مالیاتی آن مشخص می‌شود. به‌دلیل کارآمد نبودن سیستم مالیاتی، بخش غیررسمی بزرگ، شفافیت پایین و چندپاره بودن بخش عمومی، اقتصاد ایران از تقریباً نیمی از پتانسیل مالیاتی خود استفاده نمی‌کند (نمودار ۱ و ۲) و این وضعیت اختصاص به دوران رکود یا رونق ندارد. به عبارت دقیق‌تر، طی بیش از دو دهه (از ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۴) متوسط تلاش مالیاتی (به معنای نسبت مالیات جمع‌آوری شده به میزان قابل جمع‌آوری) در ایران حدود ۵۴ درصد بوده است. مالیات‌ستانی ضعیف، منابع مالی دولت را تحت فشار قرار داده و یکی از بزرگ‌ترین موانع فقرزدایی به شمار می‌رود. سیستم مالیه‌ای که نمی‌تواند به‌طور دقیق مالیات جمع‌آوری کند، عملاً در حال دادن یارانه به ثروتمندان از محل کاستن از توانایی خود برای کمک به فقراست.

1. Broad-based Growth
2. Shared Growth
3. Ex-post
4. Ex-ante

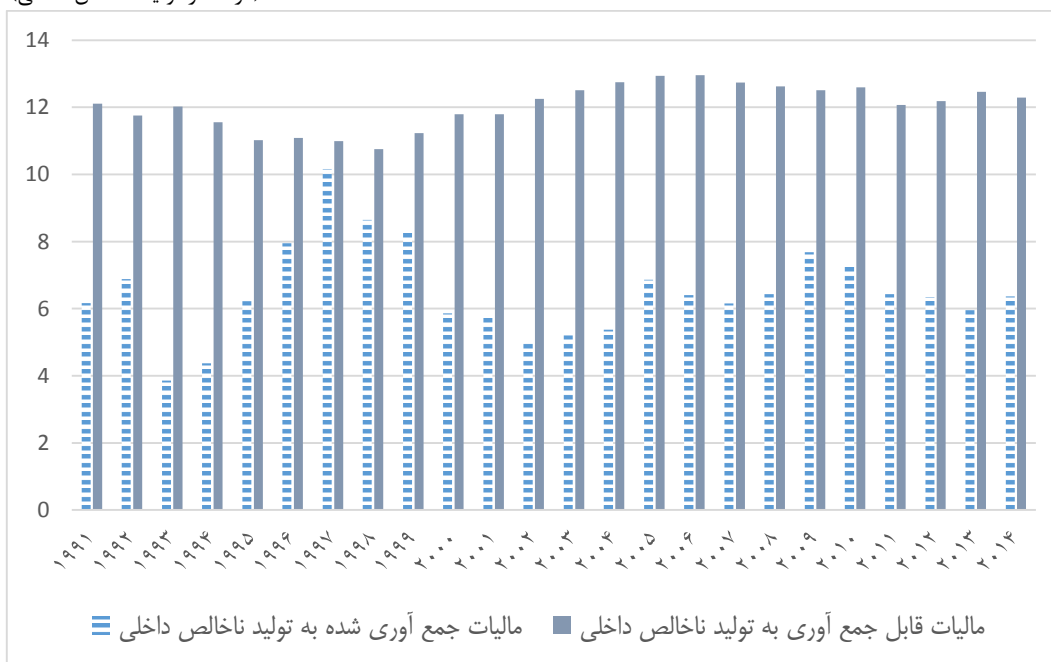
نمودار ۱. نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در ایران و سایر کشورها (درصد)



مآخذ: بانک جهانی.

نمودار ۲. پتانسیل مالیات ستانی در مقایسه با مالیات محقق شده در ایران

(درصد از تولید ناخالص داخلی)



مآخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های بانک جهانی.

– **مصارف:** تصور کنید راهبرد درست انتخاب شده باشد، منابع به اندازه کافی تجهیز شده باشد و یا حداقل با کاستن از مصارف دیگر، به این بخش اختصاص یابد، اما چگونگی مصرف و مخارج، به آن اندازه آشفته یا غیریکپارچه باشد که امکان نظارت و مدیریت مؤثر را از مجری بگیرد و موازی کاری‌های



متعدد، عملاً کارآیی سیستم رفاهی را با مشکل مواجه کند. یکی از اشکالاتی که به سیستم فعلی مدیریت مخارج رفاهی، یارانه‌ای، حمایتی کشور وارد می‌شود، عدم تمرکز در مدیریت وجوه است. به این معنی که با وجود آنکه نسبت مخارج رفاهی - حمایتی به بودجه و نسبت به تولید ناخالص داخلی، در ایران، تقریباً معادل کشورهای هم‌رده و حتی بیشتر است، اما وجود چندین دستگاه و ده‌ها ردیف حمایتی و یارانه‌ای در بودجه و خارج از آن، بودجه حمایتی را با مشکل «تکه تکه شدن» مواجه کرده و اولویت‌بندی، مدیریت و پایش کارآیی مخارج رفاهی - حمایتی را با مشکل مواجه ساخته است.

ب) اشتغال^۲

تحلیل‌هایی که به ابعاد نگران‌کننده بحران اشتغال اشاره می‌کنند، عموماً رشد اقتصادی را هدف گرفته و برای حل مشکل اشتغال خواهان شتاب گرفتن نرخ رشد می‌شوند، درحالی که نه تنها کمیت، بلکه علاوه بر آن کیفیت رشد است که دارای اهمیت بوده و نرخ رشد را معنادار می‌کند. اصطلاح «رشد اشتغال‌زا» یا «رشد فقرزدا» در برابر «رشد بی‌کیفیت» که در دو دهه اخیر در میان نهادهای بین‌المللی فراگیر شده است، در درجه اول عدم ثبات رابطه رشد و اشتغال را نشان داده و در درجه بعدی اهمیت تمرکز بر کیفیت رشد را متذکر می‌شود.

- بررسی برنامه‌های توسعه پس از انقلاب نشان می‌دهد که در این برنامه‌ها راهکارهای متعددی برای مواجهه با مسئله بیکاری مطرح شده است، اما در غیاب تحلیل روشمند از عوامل سطح توسعه این مسئله، تأثیرگذاری بر بازار کار و ایجاد اشتغال عمدتاً از طریق اعطای تسهیلات مالی و در درجه بعد از طریق اعطای معافیت‌هایی از قانون کار برای کارفرماها دنبال شده است، برخلاف انتظار تقلیل راهکارها به دو راهکار پیش‌گفته اتلاف منابع در اقتصاد کشور را تشدید کرده و تأثیرگذاری سیاست‌ها را کاهش داده‌اند، به نظر می‌رسد غفلت از اصلاحات ساختاری مبتنی بر راهبرد توسعه اشتغال‌زا مسبب اصلی ایجاد این وضعیت باشد.

- اتخاذ راهبرد توسعه اشتغال‌زا نیازمند بررسی همه‌جانبه و عمیق بازار اشتغال، اولویت بخشیدن به اشتغال‌زایی سیاست‌ها و تنظیم تمام سیاست‌های پولی، اعتباری، ارزی، تجاری و صنعتی مطابق با ضرورت‌های این راهبرد است. سیاست‌های بازار کار اصطلاحاً در سه سطح سیاست‌های محیط کلان (ساختاری- توسعه‌ای)، سیاست‌های فعال و سیاست‌های تنظیمی مطرح هستند، با توجه به این تقسیم‌بندی پیش از اتخاذ هرگونه سیاست فعال یا تنظیمی در بازار کار، دولت نیازمند تغییر راهبردی نسبت به اشتغال است.

1. Public Budget Fragmentation

۲. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به «حسین رجب‌پور، ضرورت‌های اتخاذ راهبرد توسعه اشتغال‌زا، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۵۱۱۵، ۱۳۹۵».

- با توجه به سه نقش تسهیلگری، توسعه‌گرایی و فقرزدایی (اهداف رفاهی- اجتماعی) دولت، مسائل اساسی که یک راهبرد توسعه اشتغال‌زا باید بر آنها تأکید کند عبارتند از: «حل مشکلات کارآفرینی»، «شناسایی بخش‌های پیشران و اعطای مشوق‌های لازم برای توسعه آنها» و «اصلاح قوانین و مقررات حاکم بر بازار کار با رویکرد کار شایسته».

- در راهبرد توسعه اشتغال‌زا حل مشکل اشتغال در درجه اول به شناسایی تنوع و پیچیدگی مسائل پیشاروی راه‌اندازی و گسترش کسب‌وکارها بستگی داشته و با توجه به اینکه حل مشکل اشتغال عمدتاً تابعی از رونق کارآفرینی است، رفع موانع متنوع تأسیس و گسترش «کسب‌وکارهای مولد» از جمله «مسائل زیرساختی»، «مسائل رقابت‌پذیری»، «مسائل مرتبط با هماهنگی عرضه و تقاضای نیروی کار»، «ارتقای مهارت نیروی کار» و «ارتقای مهارت‌های مدیریتی» تقاضا شده است. در گام بعدی دولت بسته به قابلیت‌های خود «شناسایی بخش‌های پیشرو اشتغال‌زا»، «طراحی سازوکار تأمین مالی توسعه‌ای» و «برقراری معافیت‌ها مطابق برنامه اشتغال‌زایی» را می‌تواند برای بهبود اشتغال‌زایی در دستور کار قرار دهد. در گام سوم نیز دولت با در نظر داشتن وظایف رفاهی و مقررات‌زدایی خود می‌تواند قوانین و مقررات حاکم بر بازار کار را تغییر دهد. در اینجا تغییرات بازار کار باید با در نظر گرفتن حفظ کرامت انسانی و توجه به موازین «کار شایسته» همراه باشد.

- در همین زمینه، تأکید بر ارتقای بهره‌وری نیروی کار و افزایش رقابت‌پذیری، همچنین کمی کردن و قابل‌پایش کردن شاخص‌های سیاستگذاری و عملکردی بازار کار و در اولویت قرار دادن اصلاحات ساختاری مربوطه، باید در دستور کار قرار گیرد.^۱

ج) انضباط مالی

برای جلوگیری از نزدیک‌بینی مالی (غلبه دیدگاه‌های کوتاه‌مدت در حوزه سیاست مالی) و غلتیدن به سوی بحران‌های ناشی از بی‌انضباطی‌های مالی ناشی از وعده‌های عوام‌گرایانه، ایجاد و استفاده از ابزارها و رویکردهای جدید مالی ضروری است. در رأس این رویکردها، استفاده از سه‌گانه **قواعد مالی** در کنار **چارچوب‌های میان‌مدت برنامه‌ریزی مالی و بودجه‌ریزی**، همراه با نظارت و پایش **شورای نگهبان مالی** مستقل قرار دارد. ضمن اینکه حرکت به سمت تهیه و استفاده از گزارش‌های مرور و بررسی مصارف نیز در راستای پایش عملکرد سیاستگذاری مالی روندی رو به رشد پیدا کرده است.

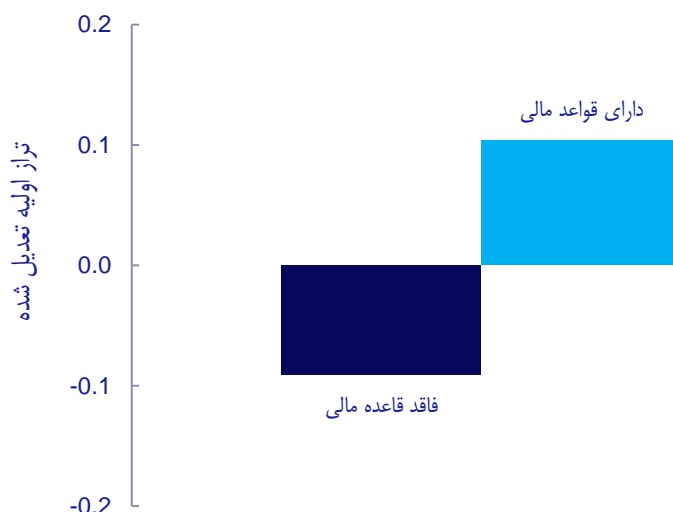
استفاده از قواعد مالی معتبر و مورد احترام، علاوه بر منظم ساختن روابط مالی بخش عمومی، از نوسانات و تلاطم‌های بودجه‌ای جلوگیری کرده و می‌تواند با ایجاد انعطاف مالی بیشتر برای دولت، در پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادی مؤثر واقع شود. مطالعات متعددی در مورد اثربخشی سیاست مالی صورت گرفته است.

۱. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به «توحید آتش‌بار، شیوه‌های اولویت‌بندی اصلاحات ساختاری، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۵۱۵۱، ۱۳۹۵».



برای مثال، یک مطالعه نشان می‌دهد که کشورهای دارای قاعده مالی، ترازهای بودجه‌ای مناسب‌تری دارند (شکل ۱).

شکل ۱. تراز بودجه تعدیل شده^۱ در کشورهای دارای قاعده مالی و بدون آن



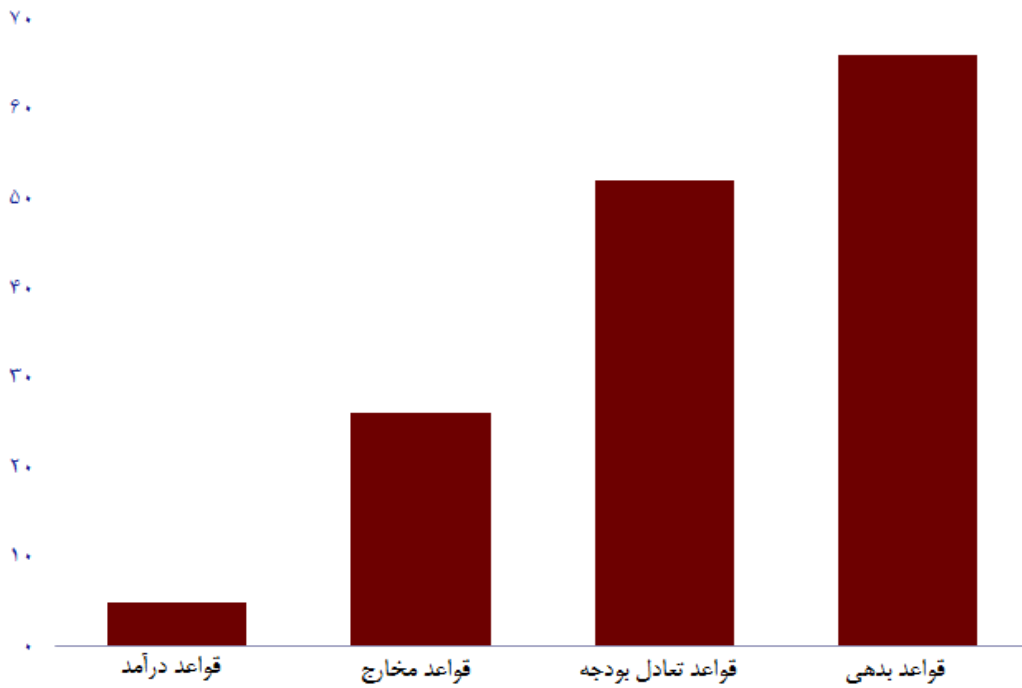
مأخذ: تاپسوبا، ۲۰۱۲.

شکل ۱ نتیجه مطالعه بر روی تأثیر قاعده مالی بر روی ترازهای بودجه‌ای ۷۴ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ است. این مطالعه از طریق کاربرد روش سنجش اثر مداخله^۲ که از مجموعه روش‌های سنجش علیت در اقتصادسنجی جدید به‌شمار می‌رود، نتیجه گرفته است که اگر قاعده مالی به‌عنوان یک مداخله سیاستی توسط سیاستگذار اعمال شود، تراز بودجه در مقایسه با وضعیت عدم مداخله بهتر خواهد بود.

از آنجایی که قواعد مالی با مقوله پایداری در ارتباط هستند، بیشترین تعداد قواعد مالی در کشورهای مختلف نیز قواعد معطوف به ایجاد و مدیریت بدهی است (شکل ۲)، اما حرکت به سمت ترکیبی شدن قواعد مالی در کشورهای مختلف نیز همزمان در حال بروز و ظهور است. (شکل ۳). به‌عبارت دیگر، چنین به‌نظر می‌رسد که اتکا به یک قاعده، چندان نتوانسته موفق باشد و کشورها تلاش می‌کنند از طریق قواعد مالی چندگانه، همزمان چندین هدف مالی عمومی را تنظیم کنند.

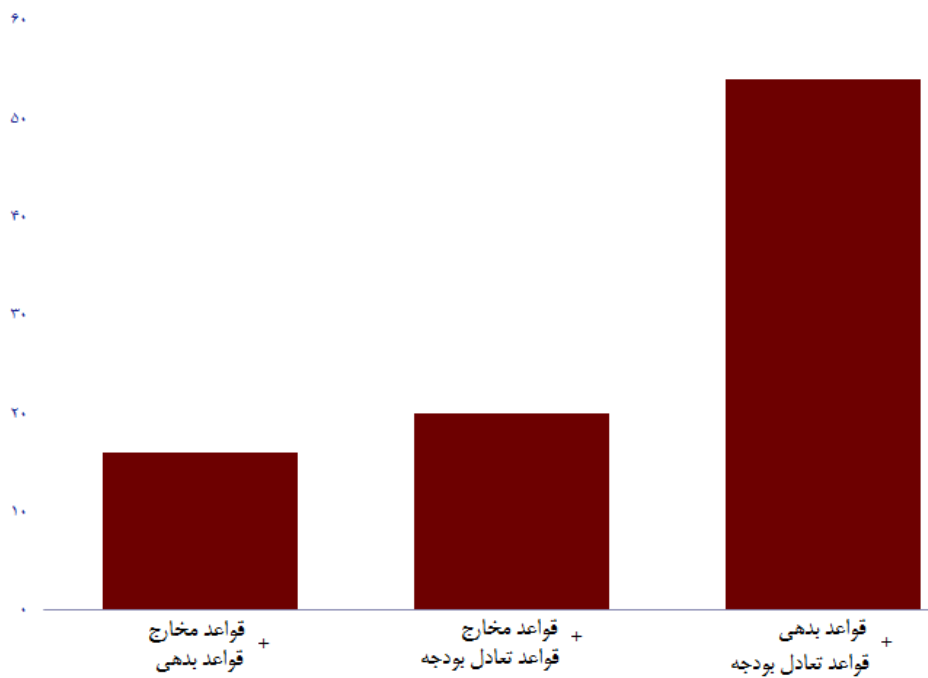
۱. تعدیل شده به این معنا که سایر متغیرهای مؤثر بر تراز اولیه مانند شکاف تولید، سطح بدهی و ... در برآورد رابطه در نظر گرفته شده است.

شکل ۲. تعداد قواعد مالی در کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۵



مأخذ: پایگاه داده قواعد مالی صندوق بین‌المللی پول.

شکل ۳. استفاده ترکیبی از قواعد مالی در کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۵



مأخذ: همان.

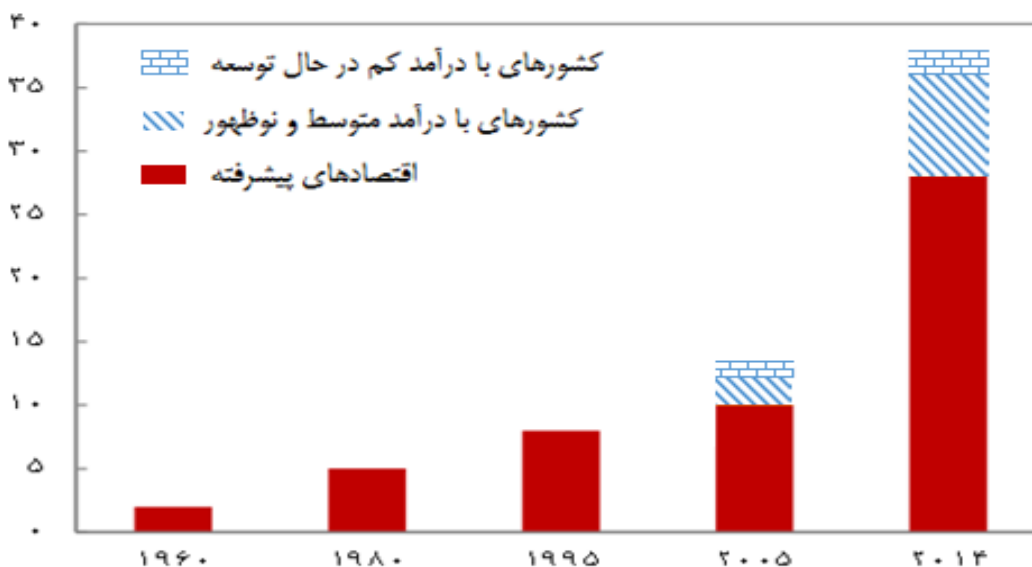


به‌طور کلی طی سال‌های اخیر، روندهای مشخصی در طراحی و اجرای قواعد مالی قابل مشاهده است. از جمله این روندها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ترکیب بیشتر قواعد بدهی با قواعد تعادل بودجه یا قواعد مخارج،
- انعطاف بیشتر قواعد در مقابل چرخه‌ها یا نوسانات،
- حرکت به سمت افزایش ضمانت اجرایی قواعد (از طریق وارد کردن آنها در قوانین بالادستی و حتی قوانین اساسی)،
- حرکت به سمت تقویت ضمانت اعمال قواعد (از طریق وارد کردن فرآیندهای خودکارسازی خوداصلاح در طراحی قواعد)،
- حرکت به سمت اعمال همزمان قواعد مالی با چارچوب‌های میان‌مدت،
- حرکت به سمت پیش‌بهرتر اجرای قواعد مالی از طریق تقویت شوراهای مالی (شوراهای مالی به‌طور دقیق‌تر **شوراهای نگهبان مالی**^۱ هستند که عمدتاً وظیفه پیش‌فنی - و نه حسابداری - سیاست مالی و قواعد مالی را برعهده دارند. این نهادهای نگهبان، معمولاً نهادهای نسبتاً مستقل از نهاد بودجه‌ریز و مجری بودجه هستند که عمدتاً در پارلمان و در موارد معدود در دولت قرار دارند. مهمترین خاصیت این شوراهای نگهبان مالی، مشی نسبتاً مستقل، پایش نظری و اجرایی بودجه و مالیه عمومی، شفافیت و عمومی بودن انتشار نتایج یافته‌ها، تحلیل و پژوهش‌محور بودن و تأثیرگذاری نسبتاً قوی بر رسانه‌ها یا افکار عمومی است. اهمیت این نهادهای نگهبان باعث افزایش تعداد آنها طی دهه‌های گذشته شده است (شکل ۴). در نهایت از شورای مالی در کنار قواعد مالی و چارچوب‌های میان‌مدت به‌عنوان سه ضلع مثلث درمان و یا پیشگیری از **نزدیک‌بینی مالی**^۲ نام‌برده می‌شود. از گزارش‌های مرور یا بررسی مصارف^۳ که درواقع تفریح عملکردی و نه حسابداری مصارف بودجه به‌شمار می‌روند نیز به‌عنوان جزء مکمل این سه‌گانه یاد می‌شود. گزارش‌های مروری، معمولاً نه برای کل مصارف بودجه، بلکه در مورد بخش‌های خاص یا با اهمیت از نظر سیاستگذار یا با اهمیت از نظر حجم منابع مالی تهیه می‌شود.

1. Fiscal Watchdog
2. Fiscal Myopia
3. Spending Reviews

شکل ۴. روند افزایشی شوراهاى نگهبان مالی



مأخذ: بانک اطلاعات شوراهاى مالی صندوق بین‌المللی پول.

درباره مرحله‌بندی قاعده‌گذاری مالی و سیاست پولی، در صورتی که اولویت اول سیاستگذار، کنترل تورم باشد، تجارب متعدد در این زمینه نشان می‌دهد که برای از بین بردن تسلط مالی معطوف به کنترل تورم، مرحله‌بندی درست اقدامات مناسب به این صورت است که ابتدا باید یک قاعده مالی معتبر طراحی و اجرا شده و سپس هدفگذاری تورم در دستور کار قرار گیرد. به عبارت دیگر، تا زمانی که قاعده مالی معتبر و پایدار رعایت نشود، به‌طور معمول هدفگذاری پولی نیز چندان موفق نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

کشورهایی که در سیکل‌های چهارگانه سیاست‌های عوام‌گرایانه قرار داشته‌اند، در نهایت در معرض آسیب‌های خطرناک سیاست مذکور، از جمله آبرتورم، بحران ارزی و بحران تعهدات قرار گرفته‌اند به طوری که در نهایت، دسته‌های اسکناسی که گویی از هلیپکوتر پرتاب می‌شوند، پس از مدت کوتاهی تأثیراتی همانند بارش سنگ داشته‌اند.

برآورد می‌شود در شرایط فعلی اقتصاد ایران، هر پنجاه هزار میلیارد تومان پول‌پاشی در بودجه دولت (معادل کمی بیش از ۵۰ هزار تومان برای هر ایرانی)، در سال اول، حداقل اثر تورمی معادل افزایش ۶/۴ درصد داشته باشد و پیش‌بینی تورم فعلی را از ۱۱/۲ درصد کنونی در سال جاری به ۱۷/۶ درصد در پایان سال برساند. علاوه بر این همان‌گونه که توضیح داده شد وضعیت نظام بانکی کشور به‌گونه‌ای است که هرگونه اقدام غیرمدبرانه اثرگذار بر حجم پول و نرخ سود بانکی می‌تواند آسیب‌های جدی و بعضاً جبران‌ناپذیری از قبیل تورم‌های افسار گسیخته در پی داشته باشد.



۱. آتش بار، توحید. شیوه‌های اولویت‌بندی اصلاحات ساختاری، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۵۱۵۱، ۱۳۹۵.
۲. آتش بار، توحید. طراحی قواعد مالی معطوف به کاهش تسلط نفتی، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۴۸۹۵، ۱۳۹۵.
۳. رجب پور، حسین. ضرورت‌های اتخاذ راهبرد توسعه اشتغال‌زا، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۵۱۱۵، ۱۳۹۵.
4. Acemoglu, D., Egorov, G. and Sonin, K., 2011. A political theory of populism (No. w17306). National Bureau of Economic Research. <http://www.nber.org/papers/w17306>
5. Anand, R., Mishra, M.S. and Peiris, S.J., 2013. Inclusive growth: Measurement and determinants (No. 13-135). International Monetary Fund.
6. Baungsgaard, Thomas, Mauricio Villafuerte, Marcos Poplawski-Ribeiro, and Christine Richmond. 2012. "Fiscal Frameworks for Resource Rich Developing Countries." IMF Staff Discussion Note, May 16, 2012. SDN/12/04. Washington, D.C.: International Monetary Fund.
7. Bova, Elva, Nathalie Carcenac, and Martine Guerguil, 2014, "Fiscal Rules and the Procyclicality of Fiscal Policy in the Developing World," IMF Working Paper No. 14/122 <http://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2014/wp14122.pdf>
8. Combes, J.L., Debrun, X., Minea, A., Tapsoba, R. (2014). Inflation targeting and fiscal rules. Do interactions and sequencing matter? IMF working paper 14/89.
9. Cordes, T., T. Kinda, P. Muthoora, and A. Weber. 2015. "Expenditure Rules: Effective Tools for Sound Fiscal Policy." IMF Working Paper 15/29, <http://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2015/wp1529.pdf>
10. Dornbusch, R. and Edwards, S., 1989. Macroeconomic Populism in Latin America (No. w2986). National Bureau of Economic Research. <http://www.nber.org/papers/w2986.pdf>
11. IMF Fiscal Monitor 2015, Fiscal Rules Dataset 2015, Fiscal Councils Dataset
12. International Monetary Fund, 2012, Macroeconomic Policy Frameworks for Resource-Rich Developing Countries <http://www.imf.org/external/np/pp/eng/2012/082412.pdf>
13. Issing, O., 2015. Die letzte Waffe–Helicopter Money? http://safe-frankfurt.de/fileadmin/user_upload/editor_common/Policy_Center/Issing_Helicopter-Money.pdf
14. Stephen Cecchetti and Kim Schoenholtz, 19 August 2016, "A primer on helicopter money", <http://voxeu.org/article/primer-helicopter-money>
15. Tapsoba, Rene, 2012, "Do National Numerical Fiscal Rules Really Shape Fiscal Behaviors in Developing Countries? A Treatment Effect Evaluation," Economic Modelling, Vol. 29, Issue 4, pp. 1356–69 <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0264999312000594>



شماره مسلسل: ۱۵۳۶۶

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: پول‌پاشی در اقتصاد: مبانی و آثار

نام دفتر: مطالعات اقتصاد بخش عمومی (گروه بودجه)، مطالعات اقتصادی (گروه کلان)
تهیه و تدوین کنندگان: توحید آتش‌بار، محمدرضا عبداللهی، سیدهادی موسوی نیک، سیدعلی روحانی

ناظر علمی: محمد قاسمی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. کسری بودجه

۲. ظرفیت مالی

۳. یارانه

۴. پول‌پاشی

۵. پول هلیکوپتری

۶. قاعده مالی

۷. عوام‌گرایی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۲/۱۸